

سه شنبه 22 مهر 1399 - 25 صفر 1442 - 13 اکتبر 2020

پایان دوره‌ی حکومت پانصد ساله‌ی خلافت عباسی (656 ق)



بابان ده، ه. ر. م. ی. حکومت بانصد ساله. ر. م. ی. خلافت عباسی، (656 ق)، پس از تسخیر بغداد، پایتخت حکومت عباسیان توسط مغولان و کشتار مردم و تسلیم شدن خلیفه و بزرگان شهر و نیز غارت و ویران کردن آن، هلاکوخان مغول در 24 صفر 656 ق المستعصم بالله، خلیفه. ر. م. ی. وقت را به حضور طلبید و او را به همراه پسر بزرگش به قتل رسانید. به این ترتیب دولت پانصد و چند ساله. ر. م. ی. بنی عباس سرنگون گردید. دولت بنی. ر. م. ی. عباس با قیام ابومسلم خراسانی علیه بنی. ر. م. ی. امیه و با روی کار آمدن عبدالله سقاچ در سال 132 ق، آغاز شده بود و پس از به قدرت رسیدن 38 تن از این خاندان در مدت 524 سال، سرانجام در سال 656 ق با قتل مستعصم، به زوال رفت. بنی. ر. م. ی. عباس در ابتدای کار همانند بنی. ر. م. ی. امیه، از وجود امامان معصوم در هراس بودند و هر کدام را به طریقی از سر راه خود برداشتند.

شهادت انت. ر. م. ی. الله مینا "علیه، غری، تی، تی" توسط مذهب، ان بعث (1419 ق، 29 خ. داد 1377 ش)، در چنین روزی در سال 1419 ه. ق حاج میرزا علی غروی تبریزی از بزرگان شیعه در بازگشت از زیارت کربلا به نجف توسط دشمنان اسلام به درجه شهادت نایل آمد.

ایشان یکی از بزرگترین علمای شیعه در عصر خویش بود. مرگ "نیکولا دهمالبرانش"، عالم علم الهی، فیلسوف شهر فرانسه (1715 م) نیکولا دو مالبرانش فیلسوف فرانسوی در 6 اگوست 1638 م در فرانسه به دنیا آمد. وی پس از اتمام تحصیلات خود در رشته علوم الهی به صنف کشیشان درآمد و چون از عقاید رنه دکارت آگاه شد از پیروان وی گردید. مالبرانش با پیروی از فلسفه دکارت، این فلسفه را به نحوی که با عقاید مسیحیت کاتولیک موافق باشد، تکمیل کرد و خود در این فلسفه صاحب نظر شد. فلسفه مالبرانش در داخل فلسفه دکارت به فلسفه اصالت اتفاق یا مقارنه معروف است و مقصود از آن به طور کلی این است که ذهن و جسم در یک. ر. م. ی. دیگر تاثیری ندارند و حتی خود اجسام در یک. ر. م. ی. دیگر و خود اذهان نیز در یک. ر. م. ی. دیگر تاثیری ندارند. او معتقد بود که علت اصلی خداست و آن. ر. م. ی. چه در دنیا به ظاهر علت و معلول می. ر. م. ی. نماید، در حقیقت مقارنه و تصادف است. هر تغییر در اجسام و امور ذهنی و معنوی، مستقیماً از خداست چرا که هر جسمی که در حال سکون است نمی. ر. م. ی. تواند خود محرک باشد. هم. ر. م. ی. چنین همه نظم و ترتیبی که در دستگاه خلقت دیده می. ر. م. ی. شود و همه قوانین علمی و طبیعی، بیان نظم و اراده الهی است. مالبرانش هیچ علتی را به جز خدا قبول ندارد و اراده بشر را بی. ر. م. ی. فایده می. ر. م. ی. داند. وی می. ر. م. ی. گوید: "هیچ چیز بدون اراده خداوند انجام. ر. م. ی. پذیر نیست." مالبرانش بعدها به افکار افلاطون نیز معتقد شد به طوری که او را افلاطونی - مسیحی می. ر. م. ی. نامیدند. مالبرانش، مشاهده را مقدمه ایمان قلمداد می. ر. م. ی. کرد و بر این اعتقاد بود که قبل از مشاهده یک چیز، نباید به آن ایمان آورد، اما هنگامی که مشاهدات فرد، عقل او را به سوی حقیقت، رهنمون گشت، نباید در ایمان تزلزل داشت. به عبارت دیگر، عقل ما نتیجه معقول مشاهدات حواس ماست و همین عقل، رساننده ما به این حقیقت است که همه مخلوقات در خداوند وحدت می. ر. م. ی. یابند. از این جا معلوم می. ر. م. ی. شود که عقل، رهنمای ما به قبول ایمان و ایمان راه وصول و درک خداوند است. آثار مالبرانش از نظر روشنی و شیوایی، از آثار مهم ادبی قرن هفدهم میلادی است که کتاب تفکرات مسیحی، گفتگوی فیلسوف مسیحی با فیلسوف چینی درباره وجود خدا و گفتگوهایی درباره مابعدالطبیعه و دین از آن جمله. ر. م. ی. اند. نیکولا مالبرانش سرانجام در 13 اکتبر 1715 م در هفتاد و هفت سالگی درگذشت.

تصرف س. ز. م. ی. تاریخی "بابا"، توسط که، ه. ی. ش، هخامنشی (539 سال قبل از میلاد) کوروش هخامنشی، مؤسس سلسله پادشاهی هخامنشیان، از سالیان قبل، در ناحیه انشان در شرق شوشتر و حوالی رود کارون (در خوزستان فعلی) دولت کوچکی داشت و می. ر. م. ی. خواست همه آریایی. ر. م. ی. های ایرانی را با هم متحد سازد. از این. ر. م. ی. رو با مخالفان خود به جنگ برخاست و بر متصرفات خود افزود. کوروش پس از فتوحاتی در شرق ایران و افزایش دادن حدود سرزمین ایران باستان، به فکر تسخیر بابل قدیم افتاد. در این زمان، علی. ر. م. ی. رغم اینکه پادشاه بابل، پیش از آن با کوروش پیمان اتحاد بسته بود، اما کوروش اعتمادی به دوستی او نداشت. از آن طرف، در بابل فساد اخلاق و ظلم و ستم، رواج فراوان داشت و مردم بابل به اسیرانی که از ممالک اطراف گرفته بودند ظلم زیادی می. ر. م. ی. کردند. چون موجبات سقوط بابل از هر جهت فراهم بود، کوروش در بهار سال 539 قبل از میلاد از رود دجله گذشت و برای آنکه از سد بزرگی که در شمال بابل بین رود دجله و فرات ساخته بودند، بگذرد، فرمان داد تا مسیر فرات را تغییر دادند و از آن عبور کردند. کوروش پس از آن به سوی بابل تاخت و پس از جنگی کوتاه، این شهر را در سیزدهم اکتبر 539 ق. م. به تصرف خود درآورد. کوروش سپس با جلال و شکوه وارد بابل شد و فردای آن روز، در همان شهر تاج. ر. م. ی. گذاری کرد.